

# کتاب

## صورت شاهان ساسانی

تکاش: محمد - دیربیانی

مورخ بزرگ ابو الحسن علی بن حسین بن علی بن عبدالله همدانی مسعودی متوفی سال ۳۴۵ با ۳۴۶ هجری که نسبتش بعبدالله بن مسعود صحابی جلیل می یوندد، در کتاب بسیار نفیس خویش که «التنبیه والاشراف» نام دارد (۱) تصریح کرده است که سال ۳۰۳ در شهر استخر فارس نزد یکی از مردم بوثات مشرفه فارس یکی از اتراد خاندانهای نجبا و اشراف، دهقان، کتابی دیده است مشتمل بر علوم و سیاسات و حالات و صور شاهنشاهان ساسانی و مدعی است که مطالب این کتاب بکلی غیر از مندرجات کتب کبر اقدری چون: «آیین نامه» و «خدای نامه» و «گاهنامه» است یعنی کتب اخیر فاقد مطالب آن هستند و تاریخ کتابت آن نیمه چمادی الاخره سال ۱۱۳ هجری و آنرا از روی نسخی که در خزائن شاهان ساسانی بوده برای هشام بن عبدالملک بن مروان از فارسی (پهلوی) به عربی گردانده بوده اند.

هرشاهی را روز بزرگ وی، خواه جوانی روز گذشته باشد یا بزرگاری پیری، بهیشتی که بود رسم کرده و در خزانه می نهاده اند تا وصف و هیأت شاه در گذشته فراموش نگردد و اثر آن بدین نحو بجای ماند و با هر صورت شمش از سیرت صاحب تصویر و کارهای عظیمی که بر دست وی رفته و بنیانهای نکوئی که نهاده مذکور بوده است.

از این کتاب که بنام «صور ملوک بنی ساسان» یا «صورت شاهان بنی ساسان» یا «صورت آلساسان» یا «صورت ساسانیان» و یا باختصاره کتاب الصور و کتاب صورت» زیانزد مورخین قدیم بوده تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد دو تن دیگر از مورخین بزرگ نیز یاد کرده اند و اگر چه چون مسعودی درباره خود کتاب و اینکه علاوه بر صور شاهان درنگ و نقوش و طرز ارجامه و هیأت آنان حاوی چه مطالبی بوده چیزی ننوشته اند ولی رجحانی که اطلاعات ایشان بر مسعودی دارد اینست که مطالب بسیار مفیدی درباره صور یکایک ملوک ساسانی و درنگ نقوش و جامه و هیأت افراد این سلسله از آغاز تا انجام ذکر مینماید و همین نکته است که ما را بنوشتن این مقاله برانگیخت تا کمابیش از کتاب الصور و صور شاهان ساسانی آگاهی یابیم.

در این کتاب بتصریح مسعودی صورت هفده مرد و دو زن (۲) از شاهنشاهان ساسانی با رنگهای شکفت انگیز بسیار زیبا و آبریز یاسیم مصور گردیده و صورت یکایک شاهان متفاوت، ایستاده و آماده جنگ، و با شسته و مهمبای گذاردن مهام امور کشور ترسیم گشته است و تصویر

۱ - من ۹۳ چاپ مصر . ۲ - در کتاب سنی ملوک الارض حظه و مجمل التواریخ تصویر ۲۴ مرد و ۲ زن ذکر شده یعنی صور همه شاهان سلسله ساسانی و پیداست که مسعودی در این مورد اشتباه کرده است

ابو عبدالله حمزة بن الحسن اصفهانی (تولد در حدود ۲۷۰- وفات پیش از ۳۶۰) در کتاب گرانبهای خود بنام «سنی ملوک الارض والانبیاء» از اردشیر سر سلسله ساسانیان تا بزدگرد شهریار آخرین آنان اطلاعاتی در موضوع مورد بحث از ذکر کرده است (۱) و مورخ دیگری که نامش معلوم نیست و کتاب نفیس، از وی بنام «مجموع التواریخ والقصص» برجای مانده و تاریخ کتابت آن سال ۵۲۰ هجریست مطالب مذکور در تاریخ حمزه را برداشته و در کتاب خوبش گنجانیده است (۲) با این مزیت که کتاب وی بفارسی کهن و فصیح برشته نگارش درآمده و ماعین عبارت آن کتاب را نقل خواهیم کرد تا استقادت آن بیشتر باشد.

نکته نئی که بیش از نقل متن مجمل التواریخ قابل ذکر است اینست که علی المشهور و شاید باجماع دانشمندان نخستین کسی که کتب پهلوی را بتازی گردانیده دانشمند نامی ابن المقفع (مقتول در ۱۴۲) است و حال آنکه از مطالب مذکور در این مقاله بخوبی واضح میشود که این المقفع اول کسی نیست که بدین کار دست زده باشد بلکه نزدیک سی سال پیش از نقل وی کتاب صورت آل ساسان چنانکه شرح دادیم برای هشام بن عبدالملک از یارسی (پهلوی) بهرامی ترجمه شده است و چون ابن المقفع هنگام مرگ ۳۶ سال بیشتر نداشته است نمیتوان ادعا کرد که ترجمه کتاب فوق نیز کار آن استاد بزرگ باشد صرف نظر از اینکه تاکنون هیچکس و بهیچ عنوان ذکری از ترجمه این کتاب بواسطه ابن المقفع نگردیده است؛ دانشمندی محترم آقای دکتر صدیقی که نگارنده مدیست در مجمعی اختصار

مصاحبت ایشان را یافته ام شاید نخستین کسی باشد که بدین نکته مهم توجه یافته اند و نگارنده را از آن آگاه ساخته. اینجانب از این راهنمایی معظم له تشکر مینماید.

اینک عین عبارت مجمل التواریخ را با اشاره باختلافاتی که بین برخی از مندرجات آن با متن تاریخ حمزه و مسعودی است با اطلاعات مختصری که از کتب دیگر بدست آورده ایم از نظر خوانندگان گرامی مجله میکنداریم.

۱- اردشیر (پایکان) (۳) «و اندر کتاب صورت پادشاهان بنی ساسان گفته است که پیراهن او بدینارها بود (۴) و شلوار آسمان گون و تاج سبز در زر و نیزه قلم (۵) در دست

۲- شاپور (پسر اردشیر) - در کتاب الصور او را پیراهن آسمان گون گوید و شلواروشی (۶) سرخ و تاج سرخ در سر ایستاده نیزه در دست گرفته.

۳- هرمزد (پسر شاپور) «و اندر کتاب صورت گفته است پیراهن و شی سرخ داشت و شلوار سبز و تاج سبز در زرداشت [اندر است] راست نیزه و اندر چپ پیر داشت بر شتری (۷) نشسته.

۴- بهرام (پسر هرمز) - در صورت او با پیراهن سرخ و شلوار سرخ و تاج آسمان گون (۸) نگاشته، اندر دست راست نیزه و اندر دست چپ شمشیر بدان فرو چسبیده.

۵- بهرام (دوم) - در صورت او (۹) نگاشته تا پیراهن و شی سرخ و شلوار سبز و تاج آسمان گون [میان] دوشرفه زرین (۱۰) بر سر بر نشسته و کمائی زده کرده، اندر دست راست گرفته، صاحب به تیر اندر دست گرفته.

۱- من ۳۴ تا ۴۳ چاپ برلین، ۲- من ۳۳ تا ۳۸، ۳- کلمانی که میان برانتز ( ) افراد دارد

الحاقی و برای توضیح متن است.

۴- در مسعودی: پیراهن او احمر مدتر و در حمزه: مدتر - و از مدتر مراد زربفت پادینار گون است.

۵- در مسعودی: بیده رمح و هو قلم - که ترجمه آن چنین میشود: او ایستاده و بدست نیزه داشت و این بهتر از ترجمه متن است.

۶- و شی - بفتح اول و کسر دوم پارچه لطیف بنقوشی گلدار با منقش.

۷- در حمزه: بر شیری نشسته.

۸- در حمزه: تاج آسمان گون میان دوشرفه زرین.

۹- ظاهرأ بصورت او را، بهی کتاب صورت بهرام را. ۱۰- در حمزه اضافه دارد: و هلالی زرین

- ۶ - بهرام (سوم) سگانشاه - «پیراهن بهرام بهرامیان» (۱) آسمان گون بوده است (۲) باشلوار سرخ بر سر بر نشسته و بر شمشیر تکیه زده و تاج او سبز میان دوشرف زراندر ساخته.
- ۷ - نرسه بانرسی - «پیراهنشوشی سرخ و شلوار وشی بر لون آسمان بر پای استاده نگاشته است با تاج سرخ (۳) و بهر دودست بر شمشیر فرو چسبیده».
- ۸ - هرمز - «در صورت ساسانیان، پیراهن سرخ وشی، صورت کرده است، باشلوار آسمان گون (۴) و تاج سبز بر سر نهاده، بهر دودست تکیه بر شمشیر زده».
- ۹ - شاپور ذوالاکتاف - «پیراهن او مورد بودوشی، شلوار سرخ وشی بر تخت نشسته، تبر زبنی اندر دست و تاج بلون آسمان گون بزرگ منقش بر نگها اندر میان دوشرفه زر و صورت ماه بر سر نگاشته».
- ۱۰ - اردشیر - «پیراهن او آسمان گون بود وشی بدینارها (دیار گون) و شلوار سرخ (۵) بدست راست نیزه و بیچ اندر شمشیر بود بدان چسبیده و تاج (۶) بر سر نهاده».
- ۱۱ - شاپور (سوم) - «در کتاب صور پیراهن او وشی سرخ اندر زبیرش دیگری زرد، و شلوار آسمان رنگ، تاج میان دوشرفه زراندر (۷) بر رنگ سبز، استاده نگاشته است. قضیبی آهن، صورت مرغی بر سرش بدست راست و بدست چپ بر قبضه شمشیر فرا خیمیده».
- ۱۲ - بهرام کرمانشاه - «تاج او سبز بود در میان سه شرفه زر، پیراهن آسمان گون و شلواروشی (۸) کرده، بدست راست اندر نیزه و بدست چپ بر شمشیر فرا خیمیده».
- ۱۳ - یزدجرد بزه گر - «پیراهن او سرخ بود و شلوار بلون آسمان و تاج همچنان، استاده نیزه اندر دست».
- ۱۴ - بهرام گور - بهرام گور را پیراهن در کتاب صورت، آسمان گون نگاشته است و شلوار سبز وشی و گرز اندر دست (۹).
- ۱۵ - یزدجرد (پسر بهرام گور) - «پیراهن سبز داشت و شلواروشی سیاه، رنگها بازر - و تاج آسمان رنگ، بر تخت نشسته و تکیه زده بر تیغ».
- ۱۶ - فیروز - پیراهن سرخ نگاشته و شلوار آسمان گون بزر وشی کرده و تاج هم بدین رنگ، بر تخت نشسته و نیزه اندر دست گرفته».
- ۱۷ - بلاش - پیراهن سرخ (۱۰) داشت و شلوار سرخ با سیاهی و سفیدی بهم آمیخته تاج آسمان گون، استاده نیزه در دست گرفته».
- ۱۸ - قباد - «پیراهن قباد آسمان گون بود، سیاهی و سفیدی آمیخته و شلوار سرخ تاج سبز، بر تخت نشسته و به تیغ فرا خیمیده».
- ۱۹ - انوشیروان - «پیراهن او سفید بود بر نگها آمیخته وشی کرده - و شلوار آسمان رنگ، بر تخت نشسته و بر شمشیر فرا خیمیده (۱۱)».

- ۱ - صحیح: بهرامان. ۲ - حمزه اضافه دارد: موشی. ۳ - حمزه با تاج سبز.
- ۴ - حمزه اضافه دارد: موشا. ۵ - حمزه: شلور موشا سرخ. ۶ - حمزه: تاج سبز بر سر.
- ۷ - حمزه: تاج میان دوشرفه زراندر، بر رنگ سبز و هلالی زرین. ۸ - حمزه: شلواروشی سرخ.
- ۹ - حمزه: گرز اندر دست و بر تخت نشسته. ۱۰ - حمزه: پیراهن سبز.
- ۱۱ - در کتاب ایران در زمان ساسانیان (ص ۲۷۹ و ۲۸۰ ترجمه باسبی) آمده: حمزه از روی کتابی که مشتمل بر تصاویر شاهنشاه ساسانی بوده انوشیروان را چنین وصف کرده است: قبای سفید زربفت (یا منقوش) بالوان گوناگون در بر شلوازی آسمانی رنگ در پای دارد و بر تخت نشسته و بر شمشیر خویش تکیه داده است. تصویر انوشیروان بهمین وضع در میان ظرفی بسیار زیبا که بکتابخانه ملی پاریس تعلق دارد کشف شده است. این نقش در میان دایره ای در قطعات بلور طبیعی قرار دارد. پیرامون آن دایره را سفردیف گلهای مینا کاری یکی سرخ و یکی سفید فرو گرفته و همه را بر طلاصمپ نموده اند. پادشاه از رو برو نمایان است که دودست را بر شمشیر نهاده و بر تختی نشسته است که اسبان بالدار حامل آن هستند.

- ۲۰ - هرمز (بیرا نوشیروان) - «بیراهن وشى سرخ داشت وشلوار آسمان کون با تاج سبز بر تخت نشسته ، بدست راست اندرگرزی داشت وچپ بر قبضه تیغ نهاده (۱)» .
- ۲۱ - خسرو پرویز «موردوشى داشت وشلوار آسمان کون و تاج سرخ ، نیزه در دست» .
- ۲۲ - شیرویه - « اندر کتاب صورت آل ساسان گوید بیراهن وشى سرخ داشت وشلوار آسمان رنگ (۲) و تاج سبز - و بر پای ایستاده بدست راست شمشیری کشیده» .
- ۲۳ - اردشیر - « بیراهن آسمان کون (۳) داشت و تاج سرخ بر پای ایستاده ، نیزه بدست راست و بدیگر دست شمشیر چسبیده» .
- ۲۴ - بوران دخت - « بیراهن وشى سبز داشت وشلوار آسمان کون و تاج همچنان - بر تخت نشسته و تبرزینی بردست» .
- ۲۵ - آذر میدخت (۴) « بیراهن اوسرخ نگاشت ملون ، شلوار آسمان کون (۵) تاج بر سر (۶) بر سر بر نشسته ، بدست راست تبرزینی وچپ به تیغ تکبزه زده» .
- ۲۶ - بزدرجرد شهریار - « بیراهن وشى سرخ (۷) داشت وشلوار آسمان کون (۸) تاج سرخ ، نیزه اندر دست ، بر شمشیر فراتخمیده» .

و همه ملوک بنی ساسان را موزه سرخ بوده است .»

۱ - تنو قیلاکت وصف هرمز چهارم جانشین انوشیروان را که با جامه گرانها بر تخت نشسته چنین آورده است : « تاج زرین مرصع جواهر بر سر داشت ، بر تو زبرجدهای آن که از مروارید غلطان محصور بود چشم را خیره میکرد و گوهرهاییکه بر موی او قرار داشت امواج خود را باشعاع حیرت بخش زمردها چنان آمیخته بود که چشم بیننده از فرط حیرت و شگفتی تقریباً از دیدار عاجز میماند . شاهشاه شلواری زرینت پوشیده که آنرا با دست گلابتون دوزی کرده بودند و بهائی گزاف داشت . بطور کلی جامه او تاحدی که شکوه سلطنت و میل خود نمائی اقتضا میکرد دارای بها و جلال بود . این وصفی که از جلوس هرمز کرده اند ممکن است بزمان خسرو اول نیز راجع شود . (ایران در زمان ساسانیان ترجمه یاسمی ص ۲۷۹) .

- ۲ - حمزه : آسمان رنگ موشح
- ۳ - حمزه : آسمان کون موشح
- ۴ - حمزه : آذر مین دخت .
- ۵ - حمزه : آسمان کون موشح
- ۶ - حمزه : تاج سبز بر سر
- ۷ - حمزه و مسعودی : آسمان کون وشى
- ۸ - حمزه و مسعودی : آسمان کون وشاه

آخرین چاره

مستخدم اداره : جناب رئیس ، تکلیف چیست ؟ ازین زیر سیکارهاییکه بدیوار راهرو نصب است چند تارا دزدیده اند .  
رئیس : احبب ، اینکه چاره اش آسان است ، کمی بالاتر بکوبید که در دسترس مردم نباشد .